

## هویت فردی نو جوان و جوان

از کجا آمده ام و به کجا میروم و به کدام سر زمین تعلق دارم؟

چگونه زندگی دارم و هدف از زندگی برایم چیست؟

زبان و کلتورم کدام ها اند؟

چه نوعی رابطه با خانواده ام برقرار نمایم؟

مسوالت پذیری برای خودم و آینده ام چطور میشود؟

شناخت از گذشته ای سرزمینی پدر و مادر که از آن جا آمده اند؟

شناخت از حال که این جا ماندنی شده اند؟

ده ها سوال از زبان نو جوان و جوان افغان دختر و پسر و حتی خود پدر و مادر هر گاه و بیگاه مطرح هست .

شما از جوانی بپرسید که هویت اش چه هست؟ چگونه و چطور با آن کنار می آید؟

اکثریت با سکوت و عده ئی قلیل با سر افتاده به زیر - آهسته با زبان شکسته می پرسد - هویت؟

هویت چیست؟

کلمه ای هویت را اکثریت افغان های خارج از کشور نمی شناسند و نمی دانند . باید ترجمه کرد - شخصیت انسانی و شناسنامه و کارت شناسائی .

هویت در فرهنگ حمید : حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد .

شخصیت در زبان چه معنی دارد؟ شخصیت چیست؟

شخصیت از کلمه ای مشخص بودن است یعنی برجستگی های [ صفت ، خصلت و خوی ] فرد را از فرد دیگر متمایز | و همین ویژه گی ها او را فردی با مشخصات [ خوب یا زشت ] مشخص سازد .

بعد سوال میشود - منظور چیست؟

باید به لسان همان کشور برای نو جوان و جوان تشریح داد که منظور این است که خودت را چه میبینی؟

بعد میگوید در پیش افغان ها خارجی و در بین خارجی هم خارجی . از مسلمان و افغان به اندازه ی مسلمان و افغان که خانواده ام به من داده اند و به اندازه ی خارجی که زبان و محیط زندگی و شناسنامه ام به من هویت داده .

گناه من نیست . وظیفه ی بزرگان بوده و هست که با نگرش و شناخت علمی از هویت و ارزش های با خود آورده ، به من می دادند . این ترجمه ای جملاتی اند که از ده ها دختر و پسر این جا میخوانید . شاید فرزندان شما هم جز همین ها باشد .

بلی ! هویت و شناخت خودی یا خود شناسی زمانی مسیر درست را طی میکند که فرد برای ایجاد خود شناسی ، شناخت منسجم از خود ، اجتماع خانواده و جامعه ی زیست خود داشته باشد .

یکی از مهم ترین جنبه ای رشد فکری - اجتماعی در دوره ی نو جوانی - همکاری و مهیا ساختن زمینه ی انتخاب ارزش ها - باور ها و هدفمندی در زندگی نو جوان ( دختر و پسر ) است .

اینجا دختر و پسر در اولین برخوردش با اجتماع مکتب از خود می پرسد . آیا هویت افغانی دارد ؟ این سوال چه در داخل کشور باشد یا خارج کشور . وجود اقوام تاجک - هزاره - ازبک - ترکمن با پشتون هویت فرد نو جوان و جوان مشکل و نداشتن آگاهی از تاریخ کشور یا به صورت معکوس با زورگویی قومی زمینه ی شناخت اصولی هویت فردی را دچار بحران کرده .

به خصوص در افغانی غرب نشین هویت اسلامی - هویت افغانی و هویت غربی در سرزمین های که افغان ها زیست دارند با یکدیگر عجین شده و هر فردی در پی نیاز های هویتی فردی افغان بدون قوم - قومی فارغ از تاثیرات غرب قابل تصور نیست .

در سایت های فراوان موضوعاتی گوناگون را میتوان پیدا کرد ولی نه برای نسل جوان این جا و نباید انتقاد کرد که جوان افغانی هویت افغانی ندارد - چون زبان مادری را بلد نیست ، کلتور و سنن را با خود حمل نمیکنند .

چه انتظار هست از نو جوان و جوان که خانواده ها به جای دادن شناخت از ارزش های اصیل افغانی به فرعیات دست و پا گیر خرافاتی چسبیده اند که بر ساختار های اعتقادی و قومی استوار است و زمان و مکان نمی شناسند .

واقعیت این است که الف : افغان در کودکان ، مکتب و محیط کار با زبان و رسم و رواج های آن سر زمین که در آن زیست دارند ، به تماس اند

واقعیت این است که ب : فرزندان افغان در درون منزل با پدر و مادر - در بیرون با بزرگانی در تماس می آیند که خود از هویت شان در چالش با اجتماع و جامعه ی درون مرزی و بیرون مرزی اند . بخصوص که در اقلیت های مذهبی در داخل و اقلیت های نژادی در خارج قرار دارند .

نو جوان و جوان نسبت به مادر و پدر ها زیادتر زیر فشار سوالات اند و در عین زمان با شکل گیری شخصیت که پیش از آغازنوجوانی و جوانی شروع میشود ، دست و گریبان اند .

1- نو جوان و جوان افغان برای مسلمان یک فرد مسلمان نیست چون گوشت ذبح نشده ی اسلامی را در بورگرکینگ و میک دونالد میخورد .

2- اکثریت روزه نمیگیرد و نماز نمیخواند به نماز جمعه اشتراک نمیکند .

3- تعداد پسران الکول مینوشند و با دختری رابطه ی نزدیک میگیرند .

اما برای اروپائی مسیحی یک مسلمان هست که :

1- برای یک مسیحی یک فرد مسلمان هست چون گوشت خوک را حرام می داند و نمیخورد .

2- در مراسم که برای عید و سال نو بر پا میشود ، رخصتی میگیرد و اشتراک میکند .

3- دختران اجازه ندارند که دوست پسر داشته باشند و رابطه با همصنفی ها بگیرند .

4 دختران به کار های دسته جمعی مثل رفتن به رخصتی های هفته ی مکتب و تحصیل به ولایت دیگر غیر از شهر خود ندارند " آنها ی که میروند - افغانی بیخیرت اند " .

5- اجازه ی آب بازی از طرف مکتب به ساعت های سپورت .

بزرگان افغان و والدین که در غرب زندگی دارند ، یک فردنو جوان و جوان را بی ادب غرب زده می خوانند که برای خواست هایش مجادله میکند و نو جوان و جوان با دو چهره ئی بودن بزرگسالان در جدال اند و نمیخواهند سر کارساز با همچو بزرگان داشته باشند که با تاسف افغان ها و هم ( خارجی ها شرق ) با بسیاری موضوعات صداقت ندارند و جدی نیستند و یک انسان در دو طرز فکر زندگی میکنند .

الف : در بیرون شخصیت بیرونی دارند .

ب : در درون خانه شخصیت درون خانه ئی خواست خود را پیاده میکنند .

ج : این دو هویتی در فرد جوان تاثیرات منفی گذاشته و او را به سوی متشیبهات و التهابات ناموزون جنگجو - خود خواه و در عین حال مطیع و بی تصمیم میسازد .

همین که ازیکسو معتقد است : « در فردی که قادر به یافتن ارزش های مثبت پایدار در فرهنگ - مذهب یا ایدلوژی خود نیست ، ایده آل هایش به هم میریزد .

چنین فردی که از درهم ریختگی هویت رنج می برد ، نه میتواند ارزش های گذشته خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش های ( واقعینانه ای از توقعات اش نسبت به بیرون ) میشود که به کمک آن ها بتواند آزادانه برای آینده طرح ریزی نماید . «

یک فرد نو جوان و جوان که آزاد پیشه گی و هدفمندی را سرمشق خود قرار داده برای حفظ رسم و رواج های افغانی مقید دست و پاگیر ارزش قائل نیست و در اجتماعی افغانی نیز با او سر سخنانه برخورد میشود .

همین فرد نو جوان و جوان که اصالت ادب افغانی - احترام به بزرگان ، مهمان نوازی ، وابستگی فامیلی ، خودگذری برای خانواده و ... را دارا هست در اجتماعی اروپائی با دیده ارزشمند تحسین میشود .

یک فرد نو جوان و جوان در سیستم تربیتی کودکستان و مکتب یاد گرفت که « نی » بگوید و برای خواست هایش مجادله کند و حق و حقوق شهروندی را خواهان هست .

پدر و مادر افغان از همین فرد جوان در این جا و این زمان میخواهد که دارای هویت کودکانه و تا سن چهل سالگی هم وابسته باشد و فردی بی تصمیم ، بی انتخاب ، بی تجربه و بی هدف که بزرگان تعیین کننده باشد . در حالیکه بسیاری از نو جوان و جوان موضوعات را از نگاه منطقی و علمی هم بهتر بدانند .

یک فرد نو جوان و جوان به دید اروپائی و متولدین ما « فرزندان » فردی است که باید دارای شخصیت بزرگمنشانه مصمم ، قاطع ، با هدف که با انتخاب و تجربه خود تعیین کننده و مسولیت پذیر باشد و آگاهانه « نی » و « بلی » بگوید. هویت فردی که من کی هستم و چه نسبتی با جهان امروز دارم و رابطه ای بیرونی و درونی من چگونه باشد ؟

جوابگو باشد

فرد نو جوان و جوان افغان نباید فرد دیروز باشد و باید بخواهد که فردی آینده ساز در همه ابعاد وجودی خود را خود جستجو کند و دریابد . این ارزش فردی چه در فزیک - عاطفی ، فرهنگی اخلاقی و .... اگر نیابد خود را نمی شناسد و جایگاه خود را تعیین کرده نمیتواند .

همانطور که در تعریف هویت : ( جان گاردنر ) مینیویسد : « یک فرد جوان باید بیاموزد که بیش از هر چیز خودش باشد ، در حالیکه بیشترین ارزش را برای دیگران دارد . دیگرانی که مطمینا برای او نیز عزیزتر از هر چیز دیگر هستند . مراد از اصطلاح « هویت » چنین رابطه ی متقابلی است که متضمن یکی بودن با خویشتن و در عین حال به نوعی سهم شدن با زندگی دیگران است .

پس چه باید کرد ؟

مطرح است . نوشتن این سطور زمانی می ارزد که تنها برای خواندن نباشد بلکه باید راه حل را هم با اشتراک دیگران یافت . ما نسل در حال گذر ایم و نو جوان و جوان جانشین ما میشوند چه بخواهیم یا نخواهیم .

کدامین راه حل میتواند ، بدهد ؟

برای نو جوان و جوانی که از مرحله ی تعیین جغرافیا و پیشرفت تخنیک و از بین رفتن مرز از طریق تماس جمعی الکترونیک در خط سرخ رسیده و انتر نت هویت جدید را میطلبد .

کدام نظریه ای میتواند به هویت و شخصیت « خود » رسیدن دروازه های بسته را به روی ما باز کند .

فردی که تعهد فکری دارد ، حالا از کجا ( کولون \* ) شود .

انسان - خود آگاه به تعبیری دارای خط فکری آزاد و متعهد . فردی خالی از عقده ای فکری با دید گاه روشنگری - انتقاد سازنده .

فردی که به فکر ایجاد پلی بین نو جوان و جوان و جامعه ی زیست با شناخت از گذشته ی تاریخی ملت ، فرهنگ دینی شود .

پلی از طریق دادن شناخت تحلیلی انسان با تکیه به فلسفی علمی و سیاسی که در برگزیده ای حالت تکاملی انسان افغان شود .

فردی که احساس به افتخارات مثبت و سازنده ی ، فرهنگ و میراث های ملی را در ما « والدین » و نو جوان و جوان بیدار سازد و بخواهد که اول خود را بشناسد .

اریکسون مینویسد : « شکل گیری هویت پیش از آغاز نو جوانی شروع میشود » .

کولون اصطلاح طب است برای یک فرد در دو زمان .

نوشته از سیده " حسین "